



۲۰۱۲/۰۷/۲۹

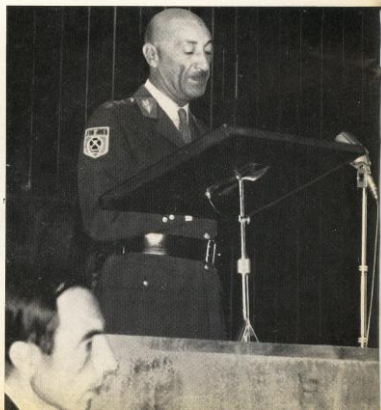


عبدالحكيم سامع

## طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد! (قسمت دوازدهم)

وقتی اظهارات «ملا عمر» را در گزارش خبرنگار «بی. بی. سی.»، که در قسمت قبلی از آن یاد شده است، خواندم، متوجه مراحل مختلف تاریخ وطن ما افغانستان، مبتنی بر اقدامات تحول طلبی گردیدم که پادشاهان هم در آن سهیم بوده اند. از جمله دو نقطه آغاز نهضت زنان در کشور ما، خیلی برجستگی از خود نشان می دهد. اولی در زمان اعلیحضرت امان الله خان، آغاز گردید، که مدتی، در نتیجه سقوط رژیم او و آغاز بحران در «نامرادی» بسر برد. بعد در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، «بابای ملت» روح شان شاد باد، دوباره از پزیردگی رها یافت. زنان در وطن ما، در تحت شرایط خاص، عمدتاً در شهر ها، موازی با آهنگ رشد و امکانات مادی و معنوی، استعداد خود را در تفکر و اندیشه «مودرن» به جهانیان ثابت نمودند. «تجدد» یا

Seine Majestät der König bei der Eröffnung der 11. Sitzungsperiode der Afghanischen Nationalversammlung.



Ministerpräsident Sardar Mohammed Daud, Kabinettsminister und Abgeordnete der Nationalversammlung bei einer Rede seiner Majestät im neuen Parlamentsgebäude.



«مدرنیزیشن»  
یگانه «پروگرامی»  
محسوب می گردد  
که آینده انکشاف  
جامعه افغانستان، به  
آن مربوط بوده ،  
ایجاب می نماید که  
همه نیرو های  
تحول طلب دور آن

متحد شوند. این مشی در طول دهه های طولانی، با خصومت «افراطیون» و قدرت طلبان روبرو می باشد.

بتاریخ ۸ جون ۱۹۶۱، درست ۵۱ سال قبل از امروز «پادشاه حین افتتاح

یازدهمین دور جلسات شورای ملی» در تعمیر جدید آن مجلس، در رابطه با اوضاع جهان در آن زمان چنین بیان نموده اند: «جهان امروز جهان سرعت و عمل و معامله است. موفقیت ما تابع تحقق ارزش های زمان و وحدت حرف و عمل است.» در همین بیانیه از پلان پنجساله بعنوان سنگ تهادی یاد آور شده اند، که پروژه های آینده

Fräulein Fahima Hamid, die Frau Dunsheath in Kabul interviewte, als die englische Bergsteigerin Afghanistan besuchte. Frau Dunsheath hat inzwischen ein Buch mit dem Titel 'Afghan Conquest' veröffentlicht.



کشور بر آن اعمار خواهند گردید. «بولتن»، «افغان نیوز»، شماره ۴۸، سال چهارم، ماه اگست،

حین جست و جو در آرشیف ها، چشمم به اسناد بی شمار خیره شد، اجازه می خواهم که تعدادی از مطالب را، بحضور خوانندگان محترم، پیشکش نمایم، تا ببینند که کشور ما اقل در داخل، چه گنجینه هایی از پیشرفت های فرهنگی را از دست داده است. در قسمت های این مطالعات می توان، آنچه را که در زمان سلطنت اخیر بعنوان مثال، برای زنان ممکن بوده است و حال « بنیاد گرایان افراطی» و «تنظیم های جهادی» و «جنگ سالاران» آن بر آنها، چه روزگار تلخی را آورده اند، مقایسه نمود.

در باره این خواهر و دختر جوان عزیز وطن ما در دهه شصت قرن بیست، که در «بولتن»، شماره ۷۲، سال ششم، ماه اگست ۱۹۶۳، نیز منتشر شده است، خانم «جویس دنشیت» (Joyce Dansheath) با «دوشیزه فهیمه حمید» در کابل مصاحبه داشته است، بعداً در کتاب خود، خاطراتش را ازین خانم جوان و «مودرن» افغان، بیان داشته است. «جویس دنشیت»، طوریکه

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در قسمت فوقانی عکس دیده می شود، این خانم یک «کوهنورد» انگلیسی بوده است، که بعد از دیدار از کابل، کتابی تحت عنوان «فتح افغان» نوشته است. (صفحه ۹، بولتن)

در همین بولتن آنچه این خانم کوهنورد انگلیسی، حکایت نموده است میخوانیم: «یک دختر «مردن» افغان». «جویس دنشیت» در کتاب جالب خود حکایت می کند: «فتح افغان»، از یک مصاحبه ای که با خبر نگاران اخبار در کابل داشته است، چنین یک توصیف از یک دختر بعمل می آورد. راپورتر «اصلاح» انگلیسی صحبت می نمود، اما نه همانند گزارشگر «انیس». او کاملاً یک دختر دوست داشتنی بود. او یک نمونه فوق العاده جوانی افغان در قرن ۲۰، در بهترین صورت و زیباترین شکل، شمرده می شود. فقط با بسیار دشواری می توانستم، چشم ام را از چنین چهره زیبا و ممتاز بگردانم. در هر یک حرکت آگاهی و علاقمندی را برملا می ساخت. از آنجائیکه من پیانو می نوازم، چشمانم بسوی دستانش بر می گشت. یک جوره دستان حساس «هنری» یافتم، که من دیگر با چنان نرمی و لطافت، هنوز از هیچ یک زن در هیچ یک کشور دیگر ندیده بودم. جلد و رنگ و روی خیلی روشن بود و با یک کریم نرم، بارنگ خفیف پوشانیده شده بود. انگشتان باریک او غیر عادی دراز و ناخن های وی یک شکل طبیعی بیضی دراز را نشان می داد.

بدین معنی که نه تنها دراز نمو کرده بود، بلکه یک رنگ ناخن نرم گلابی رنگ، تأثیر زیبایی را برجسته می ساخت. او دستهایش را شعوری، یا مانند مردمان خیالی سرزنده حرکت نمی داد، فقط گاه گاه، چنین می نمود، که می خواست چیزی هدفمند و مشخص بگوید. رنگ چشمان تاریک قهوه ای او با شکل خفیف بادامی، نمایانگر فهم و احساس بوده است. او موهای نرم و جلادار سیاه، که به هیچصورت «لشم» نبوده است، بر طبق «مود» پاریس بلند قطع و آرایش داده شده بود. لباس کاملاً ساده اروپائی را با سلیقه مطمئن انتخاب نموده بود. او در یک بانک کار می کرد و درعین حال بحیث نطق در رادیوی افغانستان مشغول بوده است. در وقت فارغ خود همچنان بحیث خبر نگار اخبار «انیس» خدمت می نمود. او یک نوع کامل یا «تیپ مناسب» برای «فلم» بود، در صورتیکه چنین یکی گاهی بوده می توانست. این چگونه ممکن بوده است، که جاپانی ها یگانه کسانی اند که افغانستان را – با زیباترین مناظر طبیعی جهان و چهره های فوق العاده انسانی – تنها محل مناسب انتخاب نموده اند، که فلم گیری کنند، بدون آنکه کدام «پس منظر» را آماده سازند؟»

این اشارات در باره برداشت جاپانی ها از افغانستان، مرا بیاد حادثه تکانهنده و ناخوشودنی انفجار مجسمه های \*



The Taleban are keeping the world guessing )  
(over the fate of the statues

(در پای تصویر سمت چپ بزبان آلمانی می خوانیم: دو مجسمه در دیوار کوه سنگی در بامیان ساخته شده بود. این یکی از آنها با ارتفاع ۵۳ متر...)



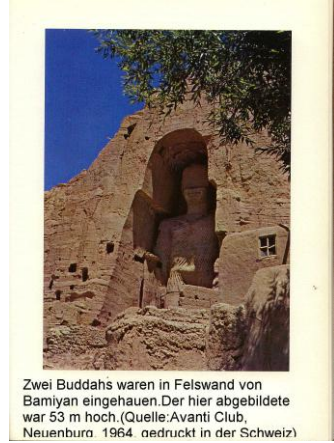
(تصویر دومی از یک زاویه دید دیگر از منابع «بی بی سی» گرفته شده است.  
The statues had stood guard over the Bamiyan valley for centuries  
(ترجمه همین سطر: «مجسمه همانند پاسبان در وادی بامیان از قرون بدینسو ایستاده بود.)

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ



\* «بودا» می آورد، که جاپانی ها، بطور محسوس ازین حادثه خیلی متأثر گردیده بودند، قرار یکی از گزارشات صفحه «انترنتی» «بی. بی. سی» بتاريخ ۹ مارچ ۲۰۰۱، تصویر، که با جمله تحت تصویر نگرانی جهان را در باره سرنوشت این مجسمه، نوشته بودند. (ترجمه متن: «طالبان جهان را به حدس زدن در باره سرنوشت مجسمه



حفظ می کنند» در گزارش از یک گروه پارلمای جاپانی به قندهار خبر داده اند که، بعنوان آخرین تلاش بین المللی، بخاطر قانع ساختن حکومت طالبان، که مجسمه قبل از اسلام را تخریب نمایند، اعزام شده است. **وکیل احمد وزیر خارجه طالبان گفته است که با جاپانی ها روز جمعه دیدار خواهد داشت.**

«جاپان به حکومت طالبان کمک مالی می نموده است، هوشدار داده است، که در صورت ویران کردن مجسمه، همه کمک ها را قطع خواهد نمود.»

در گزارش «بی. بی. سی.» از تصمیم احتمالی قانونگذاران جاپانی که کمک های پولی را قطع خواهند نمود نیز تذکر داده اند.

علی الرغم همه تلاش ها، بتاريخ ۲۰۰۱/۰۳/۲۱ اخبار «بئر روند شاو»، چاپ آلمان این تصویر را منتشر ساخت. بدینترین مجسمه ۱۵۰۰ ساله را به خاکروبه مبدل ساختند. این عمل بعنوان «**هنر طالب**» ثبت تاریخ اعمال «جنبش طالبان» گردید.

قرار «راپور های» مطبوعاتی، جاپانی ها در فکر کمک بخاطر دوباره احیای آن مجسمه هستند.



(Anti-Taliban protests have been held around the world)  
نمونه از اعتراضات و مظاهرات بعلت تخریب مجسمه بودا توسط «طالبان».

آخر زن ها طبق تکیه کلام، نیم وجود اجتماع را تشکیل می دهند، این چگونه انسانهایی بوده اند، که همین بخش جامعه را از حق آموزش و انتخاب شغل و کار خارج از محول خانه محروم سازند.

در قسمت قبلی از بخش شغل پرستاری خواهران و مادران در کشور ما از پنجا سال قبل عکس هائی را مشاهده نمودیم. نمونه از استعداد چون کارمند بانک، ژورنالیست و نطق رادیو را هم مشاهده نمودیم. حال بخوبی می بینم، همه آنچه در تحت نام «تجدد» یا «مودرنیزیشن» در افغانستان در طی دهه های طولانی، آهسته ولی مطمئن، احیاء شده بود، قسمت هایی از آن در زمان حکومت «یک حزبی

چپ» که در حقیقت تمام زمان حاکمیت را در جنگ دوامدار بسر برد، نابود گردید، متباقی آن در جنگ «داخلی» تنظیم ها و «جنگ سالاران» زور گو و تشنه قدرت، آخرین ذخایر هم توسط «طالب»، مقید در نقشه ها و افکار بیگانه و «افراطی» به نابودی سپرده شد.

Frau Ruxana, eine neue Schlagersängerin, unterhält ihre Zuhörer in ganz Afghanistan über Radio Kabul.



این خانم، رخشانه است که قبل از آنکه در افغانستان «تلویزیون» وجود داشته بوده باشد، با هنر آواز خوانی، در قلب هموطنان خود جای مناسب گرفته بود، که از طریق امواج رادیو، مانند، تعداد بی شماردیگر، خانم ها چون میرمن پروین، میرمن آزاده، استاد مهوش و غیره، به هموطنان خود، ساعات خوشی می بخشیدند. زنان با استعداد وطن ما در همه ساحات حیاتی، از اداره و سیستم قضائی گرفته، الی ساحات وسیع اجتماعی، هنر های زیبا و هنر

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

قالین و غیره در سیستم، راه گشوده بودند. بخصوص در بخش های تعلیمی، که تا نه چندان گذشته های دور بیش از ۷۰ فیصد معلمان مکاتب را تشکیل می داده اند. به ادامه بعضی از نمونه های تصویری دیگر شغل ها و استعداد زنان و دختران وطن ما را از نظر می گذرانیم.

در عکس ذیل پنجاه سال قبل دختران و پسران در یک محل، تحت رهنمائی های معلمان اتریشی، مشغول تمرین بوده، پارچه های موسیقی وطنی و خارجی را، می آموختند. این تدریس موسیقی در ماه مارچ ۱۹۶۲ در کابل افتتاح گردید. درین کورس ۱۰۰ شاگرد پسر و دختر اشتراک ورزیده بودند.

Jungen und Mädchen proben unter Leitung ihrer österreichischen Lehrkräfte einheimische und westliche Musikstücke. Dieser Musiklehrgang wurde im März 1962 in Kabul eröffnet. Es nehmen daran 100 Schüler und Schülerinnen teil.



وقتی می بینیم که رهبران «طالبان» با تصورات عجیب خود علیه حقوق و آزادی های زنان، خواهران و مادران ما و علیه حقوق حقه آنها قرار میگیرند، خیلی تکان دهنده است که حتی در صف «مهاجرین» در کشور های اروپائی و امریکائی نیز هواداران و حامیان آنها سر بلند می کنند، ممکن بسیاری از آنها، از قماش مختلف، باشند، و در حافظه نداشته باشند، که زنان افغان دارای تاریخ و افتخارات درخشان اند، که در تحت شرایط محدود، از « تمدن » و پیشرفت بشر در حیات آنها کار گرفته اند.

Unser Bild zeigt die Direktorin des Unterrichtswesens, Frau Kobra Omar, im Sozialen Frauenausschuß in Kabul, wie sie einer Absolventin eine Urkunde für besonders gute Leistungen überreicht.

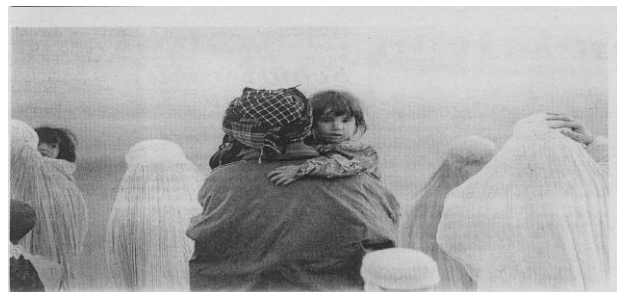


گزارشگر «بی. بی. سی.» در عین زمان در باره سیاست طالبان می نویسد، مثنی و شیوه برخورد طالبان در مجموع موضوعات مربوط به تعلیم زن، کاملاً از مواضع «کلتوری» ضد منشاء می گیرد. همین خبر نگار معتقد است، که « کلمات عمر» هیچ شکی را ایجاد نمی نماید، که طالبان هیچ امکان را به غیر از موقف خود، درین اختلاف، اجازه نمی دهند.

حال به چند عکس ذیل نظر می اندازیم: « تصویر سمت چپ، مدیره امور تدریسی، خانم کبری عمر، در کمیسیون اجتماعی در کابل نشان می دهد، که به شاگرد دارای نتایج خاص فوق العاده شهادتنامه را شخصاً تقدیم می دارد.»

پنجاه الی شصت سال پیش از امروز بیاد داریم که زنان کشور ما در راه آزادی خود مبارزات خستگی نا پذیر به

پیش می برده اند. طبیعی است، شرایط دشوار و عقبمانی های اقتصادی، ممکن زمینه های فراوان مانند جوامع اروپائی و شمال امریکا، برای آنها، نبخشیده است. توصیف از زنان و مادران کشور ما، نمی تواند، نقطه پایان داشته باشد. آنها نه تنها مادران اند و چهره های زیبا دارند، بلکه محور زحمت و ثباتبخش و تمرکز دهنده خانواده و جامعه اند. در شغل ها دارای استعداد های خارق العاده و حاملان مفکوره صلح و بشر دوستی اند. این مادران اند، که برای ما اصل محبت و گرمی انسان را پرورش می دهند. این چه انسانی هایی باید بوده باشند، که همچو موجودات عزیز را از تعلیم و کار و آزادی انسانی، مانع می شوند.



زنان شهری کشور ما، در بیش از پنجاه سال قبل، نه تنها در نخستین سالهای انکشاف جامعه ما، پیشقدمان بسوی آموزش شغل پرستاری بوده اند، بلکه در راه

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

«تمدن» و «مدرنیزیشن»، در همه ساحات علمی و هنرنیز قدم می برداشته اند.

در زمان مقابله «تنظیم های مجاهد» و «طالبان» صحنه از سرگردانی مهاجرین وطن در داخل، نمونه، (۱۴) اکتوبر ۱۹۹۶، «نویس دویچلند»)

سیاست های عملی «تنظیم های جهادی» در قریب بیست سال اخیر نشان می دهد، که در حقیقت در اهداف کلی، تمام حلقات آنها، با سمتگیری «بنیاد گرایی» موافق اند. برای اینکه بتوانند، شیوه حاکمیت خود ها را تثبیت نمایند، بطور متناوب، «طیف های» مختلف قدرت را به صحنه می آورده و «اپوزیسیون» را هم، از درون خود تشکیل می دهند. تفصیل درینجا نمی گنجد.



DER FLUCH der Tschal: Nur jene Frauen, die sich Chadris leisten können, dürfen sich unter den Tälben auf der Straße zeigen.

روزنامه «زیود دویچه سائتونگ» بتاريخ ۱۸ اکتوبر ۱۹۹۶ مطلبی را در ارتباط با «جنگ طالبان»، به نشر سپرده آنرا «**جنگ علیه زنان**» دانسته است. در پای همین عکس می خوانیم: «**لعنت برین تکه: فقط**

همان زنانیکه توان خرید چادری دارند، می توانند تحت حاکمیت طالبان، خود را روی سرک ها نشان دهند.»

ختم قسمت دوازدهم  
ادامه دارد

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ